

گزارش

روّیای نفتی پاکستان و واقعیت‌های سخت

شرق: هفته گذشته وقتی رئیس‌جمهور آمریکا درباره همکاری واشنگتن و اسلام‌آباد برای بهره‌برداری از «ذخایر عظیم نفتی» پاکستان صحبت کرد، بسیاری را شگفت‌زده کرد. پاکستانی‌ها دهه‌هاست منتظر روزی هستند که نفت، اقتصادشان را از کمبود مزمن انرژی و واردات سنگین رها کند؛ اما هر بار وعده‌ها به درهای بسته خورده است. نفت همچنان بزرگ‌ترین سهم واردات این کشور را در اختیار دارد و با هر کاهش ذخایر، خاموشی‌ها و محدودیت‌های برق بیشتر می‌شود. در تازه‌ترین تحول، در سطح برآورده‌ها خوش‌بینی‌هایی ایجاد شده است. اداره اطلاعات انرژی آمریکا رقم ۹.۱ میلیارد بشکه نفت قابل برداشت را برای پاکستان برشمرد؛ عددی که مقام‌های پاکستانی بارها برای جلب سرمایه‌گذار روی آن دست گذاشته‌اند. اما این ذخایر اثبات نشده‌اند و فاصله میان نقشه‌ها و میدان، همچنان زیاد است. ذخایر اثبات‌شده پاکستان بسیار کوچک‌تر هستند و جایگاه این کشور را در میانه جدول جهانی نگه می‌دارند. تولید روزانه در سال ۲۰۲۳ زیر ۱۰۰ هزار بشکه بود؛ در حالی که ایالات متحده همان سال نزدیک به ۱۲ میلیون بشکه در روز تولید کرد. این شکاف، از روّیا تا واقعیت، بزرگ‌تر از آن است که فقط با یک اعلامیه پر شود. ترامپ در یادداشت خود در تروث‌سوشال لحنی خوش‌بینانه داشت و از «انتخاب شرکت نفتی آمریکایی برای هدایت این شراکت» سخن گفت. نشانه‌هایی از تحرک نیز دیده شد؛ یک پالایشگر پاکستانی از نخستین قرارداد واردات نفت خام آمریکا خبر داد و سخنگوی کاخ سفید اعلام کرد همکاری در دو کشور در توسعه ذخایر، امنیت اقتصادی هر دو طرف را تقویت می‌کند. در دولت پاکستان نیز پیام‌های استقبال شنیده شد. وزیر نیروی پاکستان، اویس لغاری، گفت سرمایه‌گذاری از سوی آمریکا، چین یا هر کشور دیگری خوشایند اسلام‌آباد است و خوب است که این موضوع مورد توجه رئیس‌جمهور آمریکا قرار گرفته است. با این همه، در فضای عمومی و میان تحلیلگران، تردید و حتی طعنه پررنگ بود. برخی این پیام را بیش از آنکه طرحی برای توسعه پاکستان بدانند، هشدارِی خطاب به هند تعبیر کردند؛ رقیب پرجمعیت و پرنفوذی که در ماه‌های اخیر در روابطش با واشنگتن بر سر تجارت دچار تنش شده است. ترامپ همان هفته از تصمیم خود برای دو برابر کردن تعرفه کالاهای هندی تا ۵۰ درصد به دلیل تداوم خرید نفت روسیه سخن گفت؛ پیامی که بلافاصله در دملی و اسلام‌آباد تفسیر شد.

در دل این مجادله، نگاه‌ها فقط به نفت نیست. بسیاری گمان می‌کنند علاقه تازه واشنگتن بیش از هر چیز به معادن و عناصر کمیاب پاکستان مربوط است؛ ذخایری که برای صنایع الکترونیک مصرفی و فناوری‌های دفاعی حیاتی‌اند و در میانه تنش‌های فراینده تجاری آمریکا و چین، ارزش ژئوپلیتیک بیشتری یافته‌اند. حضور مقام‌های آمریکایی در مجمع سرمایه‌گذاری معادن پاکستان در ماه آوریل، نشانه‌ای از همین توجه تلقی شد. اما در این جبهه نیز مثل نفت، فاصله سخن تا عمل زیاد است. بخش بزرگی از معادن پاکستان هنوز اکتشاف نشده و بهره‌برداری از آنها، هم از نظر فناوری و هم امنیت، دشوار است. کریدور اقتصادی چین و پاکستان که با شبکه‌ای از نزدیک به سه هزار و ۲۰۰ کیلومتر از راه و ریل و خط لوله شمال و غرب کشور را به بندر آب‌های عمیق جنوب پیوند می‌دهد، در سال‌های اخیر با ناامنی فراینده دست‌وپنجه نرم کرده است. در ایالت خیبر پختونخوا، فعالیت طالبان پاکستانی دوباره شدت گرفته و در بلوچستان، گروه‌های جدایی طلب حملات خود را هدفمند ادامه می‌دهند. همین هفته جدایی‌طلبان بلوچ مسئولیت حمله به دو کامیون معدنی را بر عهده گرفتند و هشتاد دالند هرکس در «غار منابع ملی بلوچ» با انتقال مواد معدنی نقش داشته باشد، هدف مشروع تلقی خواهد شد. چنین تهدیدهایی نشان می‌دهد هر طرح سرمایه‌گذاری بدون بسته امنیتی و اجتماعی، روی زمینی لغزان بنا می‌شود. تجربه‌های گذشته می‌گوید مشکل فقط امنیت نیست؛ بوروکراسی پیچیده، مداخلات سیاسی و کندی تصمیم‌گیری، سال‌ها سرمایه‌گذاران خارجی را دلسرد کرده است. بلندپروازانه‌ترین تلاش اخیر بود که بی‌نتیجه ماند. در عین حال، رابطه اسلام‌آباد با جوامع محلی نیز زخمی کهنه است. بارها پیش آمده که در محل استخراج، مردم سهمی از سود و خدمت ندیده‌اند و احساس بی‌عدالتی، سوختی برای اعتراض و ناامنی فراهم کرده است. مقام‌های سابق در وزارت نفت پاکستان اذعان می‌کنند که تلاش جدی برای تبدیل مردم محلی به شریک واقعی پروژه‌ها صورت نگرفته و این خطا نباید تکرار شود. با این همه، هم‌زمان دولت در پی جلب سرمایه‌گذاران خارجی، لویایچی را برای گسترش کنترل خود بر فرایند استخراج پیش برده که به بدگمانی‌ها دامن می‌زند. از نگاه کارشناسان انرژی، هرجا مردم محلی منفعت ملموس ببینند، در تأمین امنیت و موفقیت پروژه احساس مالکیت می‌کنند و مسئولانه‌تر می‌ایستند. این شاید مهم‌ترین کلید هر شراکت تازه باشد؛ کلیدی که اگر جا بیفتد، اعلامیه‌های سیاسی می‌توانند از کاغذ عبور کنند و به نتیجه‌ای پایدار برسند. در پس‌زمینه این تحولات، خط تماس اسلام‌آباد و واشنگتن پررفت‌وآمدتر شده است. میانجیگری دولت آمریکا در ماه ژوئن، زمانی که درگیری‌های مرزی میان هند و پاکستان اوج‌گیری داشت، به آتش‌بس انجامید. دیدار و ناهار رئیس ستاد ارتش پاکستان، عاصم منیر، در کاخ سفید نیز پیام‌هایی روشن داشت و حتی در اسلام‌آباد حرف از نامزدی ترامپ برای جایزه نوبل صلح به میان آمد. اما همه این نشانه‌ها تا زمانی که از سطح پیام فراتر نروند و به برنامه‌های دقیق، قراردادهای اجرایی و تضمین‌های امنیتی و اجتماعی بدل نشوند، به‌سختی می‌توانند مسیر اقتصاد انرژی پاکستان را تغییر دهد. وعده‌ها امید می‌آورند، اما میدان عمل، صبور و سخت‌گیر است.

کی‌یف و پایتخت‌های اروپایی با پیشنهاد مبادله سرزمینی از سوی روسیه مخالفت کردند

مذاکره درباره ناممکن‌ها



شرق: پس از سفر فرستاده ویژه آمریکا به مسکو و تعلیق ضرب‌الاجل تحریم‌های ثانویه، دولت‌های اروپایی همراه با اوکراین طرحی مشترک روی میز گذاشته‌اند تا چارچوب هر مذاکره احتمالی با کرملین را تعیین کنند؛ ابتکاری که آتش‌بس واقعی را پیش‌شرط می‌داند و معامله یک طرفه بر سر خاک را منتفی اعلام می‌کند. به‌گفته مقام‌های اروپایی آگاه از گفت‌وگوها، دولت‌های اروپایی و اوکراین با یک پیشنهاد منسجم به ابتکار آتش‌بس ولادیمیر پوتین پاسخ داده‌اند تا مذاکرات پیش‌روی دونالد ترامپ، رئیس‌جمهور ایالات متحده، با رهبر روسیه از بن‌بست بیرون بیاید. طرح اروپا که در نشست شنبه با مقام‌های ارشد آمریکایی در انگلستان ارائه شد، مبادله بخش‌هایی از مناطق تحت کنترل اوکراین در دونتسک در برابر آتش‌بس را رد می‌کند. ولودیمیر زلنسکی آن نشست را سازنده توصیف کرد و گفت استدلال‌های او شنیده شده و خطرها مورد توجه قرار گرفته است. یک مقام آمریکایی از پیشرفت در مسیر هدف اعلامی ترامپ برای پایان جنگ خبر داد و به‌گفته یکی از حاضران اروپایی، واکنش واشنگتن به طرح اروپا مثبت بود. پس از تماس استیو ویتکاف، فرستاده ویژه ترامپ، با کرملین و ارائه پیام مسکو، ترامپ ضرب‌الاجل خود برای اعمال تحریم‌های ثانویه شدید علیه روسیه را تمدید نکرد و با برگزاری نشست با پوتین در آلاسکا در پانزدهم آگوست موافقت کرد. در اروپا، لندن، برلین و پاریس همراه با کی‌یف برای پاسخ هماهنگ به این گشایش دیپلماتیک دست‌به‌کار شدند تا خط قرمزی مشترک با مشارکت اوکراین ترسیم کنند؛ خط قرمزی که به گفته امانوئل مکرون بدهی می‌نماید، زیرا آینده اوکراین بدون حضور اوکراینی‌ها قابل تصمیم‌گیری نیست و اروپایی‌ها نیز به دلیل پیوند مستقیم این بحران با امنیت قاره، ناگزیر بخشی از راه‌حل‌اند.

جزئیات طرح اروپایی

در متن پیشنهادی اروپا تصریح شده که هرگونه اقدام بعدی فقط پس از توقف درگیری‌ها ممکن است. اصل مبادله متقابل سرزمین‌ها نیز قید شده است؛ به این معنا که اگر اوکراین از بخشی عقب‌نشینی کند، روسیه نیز باید از مناطقی دیگر خارج شود. نسخه طرح که برای معاون رئیس‌جمهور جی‌دی ونس، وزیر خارجه مارکو روبریو، فرستاده ترامپ در امور اوکراین کیت کلک و خود ویتکاف تشریح شد، شرط دیگری هم دارد: هر امتیاز سرزمینی احتمالی از سوی کی‌یف فقط با تضمین‌های امنیتی آهین قابل تصور است؛ تضمین‌هایی که دامنه آن می‌تواند به بحث عضویت ناتو برای اوکراین نیز برسد. الکساندر استوب،

روسیه حدود یک‌پنجم خاک اوکراین را در شرق و جنوب در اشغال دارد؛

نوار پیوسته‌ای از مرز روسیه تا کریمه که لوهانسک صنعتی، بیشتر بخش‌های دونتسک، بخش‌های عمده خرسون و زاپوریژیا و ترابری را در بر می‌گیرد. تصویر کلی جبهه نشان می‌دهد مسکو پس از ناکامی اولیه در نبرد کی‌یف، تمرکز خود را بر دونباس و سواحل جنوبی گذاشت و اکنون با تکیه بر «پل زمینی» به کریمه، تلاش می‌کند خطوط نبرد را تثبیت کند. ارزیابی‌های مستقل نظامی نیز همین روند کند اما پیوسته را تأیید می‌کنند و سهمی در حدود یک‌پنجم از خاک اوکراین را تحت اشغال روسیه گزارش می‌دهند. در کنار تهدیدهای میدانی، مخاطرات هسته‌ای ناشی از استقرار نیروها پیرامون نیروگاه زاپوریژیا بار دیگر افزایش یافته و آژانس بین‌المللی انرژی اتمی طی روزهای اخیر نسبت به صدای توپخانه و انفجارهای نزدیک سایت هشدار داده است.

لوهانسک

روسیه تمام لوهانسک را در اختیار دارد؛ یکی از دو استان صنعتی دونباس که شهرهای کلیدی سورودونتسک و لیبیتچانسک را نیز شامل می‌شود. سورودونتسک میزبان مجتمع شیمیایی آژوت است؛ یکی از بزرگ‌ترین تولیدکنندگان کودهای نیتروژنی اوکراین. لوهانسک همچنین به تولید فلزات پایه مانند مس و روی شناخته می‌شود؛ ظرفیتی که اهمیت راهبردی این محور را برای کرملین توضیح می‌دهد.

دونتسک

برآوردها نشان می‌دهد مسکو بخش عمده دونتسک را تصرف کرده و کمربند استحکامات اوکراین که به «ژژند» شهرت یافته، همچنان سد اصلی پیشروی به سمت غرب است. واگذاری این منطقه پیش از هر توافق آتش‌بس، بنا به

را تحت فشار قرار دهد؛ به ادعای او، همین نشان می‌دهد مسکو نسبت به فشار آمریکا آسیب‌پذیر است و واشنگتن باید از این اهرم استفاده کند. از نگاه یکی دیگر از مقام‌های ارشد اروپایی، هر توافقی میان ترامپ و پوتین بدون حضور بهران اروپایی در عمل اعتباری نخواهد داشت. مقام‌های اروپایی در دیدار با ونس نیز بار دیگر تصریح کردند آینده اوکراین بدون حضور اوکراین قابل بحث نیست و فارغ از تحولات واشنگتن، حمایت نظامی و مالی اروپا ادامه خواهد یافت.

میدان نبرد و هزینه آتش‌بس

در دو سال گذشته روسیه بیشتر ابتکار عمل نظامی را در دست داشته اما بنا بر ارزیابی‌ها، کمتر از یک درصد از خاک اوکراین را تصرف کرده و هم‌زمان با تلفات انسانی سنگین و نبردهایی فرساینده –که پهناب‌ها نقش غالب را در آن دارند– روبه‌رو شده است. با وجود درگیری‌های طولانی در محورهای پوکروفسک و چاسیوئر از سال گذشته، اغلب تحلیلگران نظامی تصرف مجموعه‌های استحکامی اسلوویسک و کراماتورسک در شمال دونتسک را در آینده نزدیک محتمل نمی‌دانند. از نگاه مقام‌های اروپایی درگیر در گفت‌وگوها، واگذاری این اراضی راهبردی که صدها هزار شهروند اوکراینی در آن زندگی می‌کنند، در برابر یک آتش‌بس، عملاً به معنای امتیاز بزرگ‌تری برای پوتین است؛ رهبری که به گفته آنان بارها آتش‌بس‌ها را نقض کرده و چیزی ملموس در از آن نمی‌دهد.

ابهام در پیام‌ها و تماس‌های فشرده

صد پیشنهاد اروپا پس از یک هفته دیپلماسی نفس‌گیر مطرح شد. ساعتی پس از دیدار ویتکاف با پوتین در کرملین، ترامپ تماس مشترکی با شماری از رهبران اروپایی و زلنسکی برقرار کرد و محتوای پیشنهاد را شرح داد. به گفته مقام‌هایی در سه کشور اروپایی، ترامپ در آن تماس احتمال خروج روسیه از زاپوریژیا و خرسون را در برابر کسب کنترل کامل دونتسک مطرح کرده بود، اما ویتکاف روز بعد در تماس با رؤسای دفاتر رهبران اروپایی عقب نشست و از ترکیبی از خروج و انجماد خطوط سخن گفت. روز جمعه، برای رفع تناقض‌ها، اروپایی‌ها خواستار تماس سومی شدند و این بار ویتکاف تأکید کرد تنها پیشنهاد روی میز، عقب‌نشینی یک‌جانبه اوکراین از دونتسک در برابر آتش‌بس است؛ پیشنهادی که هم از سوی زلنسکی و هم از طرف مقام‌های اروپایی رد شد.



یک‌پنجم اوکراین در اشغال روسیه

تحلیل‌های نظامی، می‌تواند موقعیت روسیه را برای حملات بعدی تقویت کند. برخی مناطق اشغالی دونتسک اخیراً با کمبود شدید آب دست‌به‌گریبان بوده‌اند؛ رخدادی که پروژه‌های تبلیغاتی و بازسازی نمایشی را زیر سؤال برده است.

خرسون

خرسون در جنوب آخرین قطعه از زنجیره‌ای بود که روسیه سال‌ها در پی آن بود تا میان مرزهای شرقی و کریمه یک گذر زمینی پایدار ایجاد کند. اگرچه شهر خرسون در نوامبر ۲۰۲۲ پس از بیش از هشت ماه اشغال آزاد شد، بخش بزرگی از این استان همچنان در کنترل روسیه است و شهر به‌طور مداوم زیر آتش قرار می‌گیرد. انفجار سد کاخوفکا در ژوئن ۲۰۲۳ و تسلط روسیه بر کانال آبرسانی به کریمه، پیامدهای زیست‌محیطی و انسانی گسترده‌ای به جا گذاشت و اهمیت این محور برای دو طرف را دوچندان کرد.

زاپوریژیا

زاپوریژیا میزبان بزرگ‌ترین نیروگاه هسته‌ای اروپاست؛ تأسیساتی که پیش از جنگ حدود ۲۰ درصد برق اوکراین را تأمین می‌کرد و اکنون در اشغال روسیه است. دو طرف بارها یکدیگر را به حملات خطرناک پیرامون سایت متهم کرده‌اند. در ماه مارس، کی‌یف با پیشنهاد مطرح‌شده درباره واگذاری اداره نیروگاه به طرف آمریکایی مخالفت کرد و آن را مداخله‌گرانه و بی‌اثر بر امنیت واقعی دانست. با وجود تدابیر ایمنی، ذخایر محدود برق صرف حفظ خنک‌سازی راکتورها می‌شود تا از حادثه هسته‌ای پیشگیری شود؛ هم‌زمان آژانس بین‌المللی انرژی اتمی در بیانیه‌های تازه خود نسبت به شنیده‌شدن آتش سنگین نزدیک محوطه هشدار داده است.

اداره کل ثبت اسناد و املاک استان کرمانشاه اداره ثبت اسناد و املاک حوزه ثبت ملک کرمانشاه ناحیه یک هیات موضوع قانون تعیین تکلیف وضعیت ثبتی اراضی وساختنهای فاقد سند رسمی آگهی موضوع ماده ۳ قانون و ماده ۱۳ آئین نامه قانون تعیین تکلیف وضعیت ثبتی و اراضی و ساختمان های فاقد سند رسمی

برابر رای شماره ۱۰۰۳۰۵۲/۱۴۰۴/۱۶ مورخ ۱۴۰۴/۰۱/۱۶ هیات اول/ دوم موضوع قانون تعیین تکلیف وضعیت ثبتی اراضی و ساختمان های فاقد سند رسمی مستقر در واحد ثبتی حوزه ثبت ملک کرمانشاه ناحیه یک تصرفات مالکانه بلامعارض متقاضی آقای علی امیریان فرزند مفر بشماره شناسنامه ۲۲۵۶۹۲۴۳۲۲ و کد ملی ۲۲۵۶۹۲۴۳۲۲ صادره از کرمانشاه به آدرس شاطرآباد - خیابان امینی - کوی شهید محسن هاشمی - پلاک ۱۷ نسبت به سه دانگ مشاع از ششدانگ ایمن یک باب ساختمان به مساحت هفتص مربع مفروز و مجزا شده از پلاک ۵ اصلی واقع دربخش یک حومه حوزه ثبت ملک کرمانشاه ناحیه یک همچنین موافقت اداره اوقاف با صدور سند امین بنام متقاضی مشافا بررسی های محلی کارشناسی که حکایت از عدم تعارض و بلاعارض بودن تصرفات به متقاضی محرز گردیده است. لذا به منظور اطلاع عموم مراتب در دو نوبت به فاصله ۱۵ روز آگهی می شود در صورتی که اشخاص نسبت به صدور سند مالکیت متقاضی اعتراضی داشته باشند می توانند از تاریخ انتشار اولین آگهی به مدت دو ماه اعتراضی خود را به این اداره تسلیم و پس از اخذ رسید، طرف مدت یک ماه از تاریخ تسلیم اعتراض، دادخواست خود را به مراجع قضایی تقدیم نمایند بدینهی است در صورت اقصای مدت مذکور و عدم وصول اعتراضی طبق مقررات سند مالکیت صادر خواهد شد. ۲۱۸۶/م.الف.۱۷/ تاریخ انتشار ثبت دوم: ۱۴۰۴/۰۵/۲۰

سجاد مویدی رئیس ثبت اسناد واملاک ۲۶۷۹

گزارش

اجماعی کم‌سابقه علیه تصرف غزه

شرق: اعلام تصمیم برای تصرف نظامی غزه موجی از محکومیت جهانی را برانگیخت و هم‌زمان امیدهای محتاطانه برای احیای آتش‌بس را زنده کرد. نماینده ویژه ایالات متحده در مادرید با نخست‌وزیر قطر درباره چارچوبی تازه گفت‌وگو کرد؛ چارچوبی که به ابتکار مصر و قطر تدوین می‌شود و آزادی همه گروگان‌ها را یک‌جا در برابر پایان جنگ و خروج نیروها هدف گرفته است.

در داخل اسرائیل، تظاهرات گسترده بار دیگر دولت را زیر فشار گذاشت و خانواده گروگان‌ها با اشاره به سرنوشت نامعلوم حدود ۵۰ گروگان باقی‌مانده، خواستار اعتصاب سراسری شدند. در سطح دولت‌ها، ۹ کشور اروپایی و کانادا عملیات گسترده را رد کردند و بیش از ۲۰ کشور منقلبه‌ای آن را خطرناک و غیرقابل قبول خواندند؛ مسکو هم هشدار داد اوضاع بحرانی‌تر می‌شود و شورای امنیت برای بررسی فوری، نشست اضطراری تدارک دید. در میدان، گزارش‌هایی از تیراندازی به متقاضیان کمک در جنوب و مرکز غزه منتشر شد که ارتش اسرائیل آن را رد کرد؛ هم‌زمان روایت‌هایی از کشته‌ها و زخمی‌های فراوان در حوالی گزراه زیکیم و کریدور نتساریم بازتاب یافت. با پیوستن ایتالیا و یونان، امدادرسانی هوایی گسترش یافت، اما سازمان‌های امدادی آن را تکافی و خطرناک توصیف کردند. گرمای بالای ۳۲ درجه کمبود آب و غذا وضعیت آوارگان را وخیم‌تر کرد و وزارت بهداشت غزه از افزایش مرگ‌ومیر ناشی از سوءتغذیه میان بزرگسالان و کودکان خبر می‌دهد؛ رقصی که در آمار کلی جنگ –که بنا بر ارزیابی نهادهای بین‌المللی مرجعیت دارد– محاسبه نمی‌شود. اسرائیل صحت این آمار را رد و سؤال می‌برد و هم‌زمان مدعی انحراف کمک‌ها از مسیر رسمی است؛ ادعایی که نظام سازمان ملل آن را رد می‌کند و بر افزایش ورود کامیون‌ها و امنیت مسیرهای توزیع تأکید دارد.

در چنین صحنه‌ای، دیپلماسی، خیابان و میدان هم‌زمان در حرکت‌اند و آینده به تصمیم‌هایی گره خورده که باید هرچه زودتر گرفته شود. هم‌زمان، نگرانی‌ها از سرایت بحران به مرزهای شمالی و دریای سرخ بالا گرفته و بازار انرژی نسبت به هر اختلالی حساس‌تر شده است. میانجی‌ها از «پنجره زمانی بسیار محدود» سخن می‌گویند و می‌دانند هر روز تأخیر، هزینه انسانی و سیاسی را چند برابر می‌کند، اما بدون ضمانت‌های اجرایی روشن، حتی توافق روی کاغذ نیز شکننده خواهد بود.

منارعه اکنون در سه سطح هم‌زمان پیش می‌رود: میدان، دیپلماسی و جامعه. در میدان، چرخه حملات و ضدحملات با تمرکز بر کریدورهای امدادی و اطراف زیرساخت‌های حیاتی ادامه دارد و هم بار که مسیر توزیع تغییر می‌کند، قیرم کالاهای پایه و دارو جش می‌زند و خانواده‌ها ناچار به جابه‌جایی‌های پیاپی می‌شوند. در دیپلماسی، میانجی‌ها از یک «چارچوب مرحله‌بندی‌شده» سخن می‌گویند که در آن آزادی گروگان‌ها با آتش‌بس، ورود گسترده کامیون‌ها، بازگشایی نقاط بازرسی و ایجاد یک سازوکار نظارت مشترک گره می‌خورد؛ سازوکاری که بتواند امضای بازیگران اصلی را به تعهد عملی تبدیل کند و راه قرار از تفسیرهای متناقض را ببندد. در جامعه، خشنگی عمومی و فشار روانی به‌ویژه بر کودکان و سالمندان رو به اوج است و شبکه‌های محلی با منابع ناچیز در حال پرکردن شکاف‌های بزرگ امدادرسانی‌اند. هم‌زمان، در اسرائیل شکاف میان ضرورت آزادی گروگان‌ها و اهداف حداکثری جنگ هر روز در میدان سیاست پررنگ‌تر می‌شود و تصمیم‌گیران با معامله‌ای روبه‌رو هستند که انتخاب هر ضلع سرایت به مرزهای شمالی و دریای سرخ همچنان پارچه‌ای و بازار انرژی نسبت به هر اختلالی حساس‌تر شده است. اگر تضمین‌های اجرا روشن نباشد، بهترین متن توافق هم روی زمین دوام نمی‌آورد و صحنه به نقطه اول بازمی‌گردد.